

تأثیر مبانی فکری احزاب و گروه‌های سیاسی دخیل در ساختار قدرت بر روند تدوین و

تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ۱۳۵۸

فریده نجاری^۱ - مرتضی محمودی^{۲*} - احمد بخشایشی اردستانی^۳ - علی اصغر زرگر^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۱۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۱۶

چکیده :

در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی احزاب و گروه‌های سیاسی به انحاء مختلف کوشیدند در روند تدوین و تصویب قانون اساسی نقش ایفا کنند و خواسته‌ها و انتظارات سیاسی- فکری خود را در متن و محتوای قانون اساسی بگنجانند. لذا قانون اساسی و مباحث پیرامون آن به مهمترین قانون منازعه گفتمان‌های دخیل در انقلاب تبدیل شد. بر همین اساس کاوش در نحوه تأثیر- گذاری مبانی فکری و ایدئولوژی احزاب و گروه‌های سیاسی دخیل در ساختار قدرت (با تأکید بر نهضت آزادی) در روند تدوین و تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی پرسش اصلی این تحقیق را رقم می‌زند. نتایج بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد تفاوت در مبانی فکری و ایدئولوژی احزاب و گروه‌های سیاسی دخیل در قدرت از مهمترین عوامل تأثیرگذار در منازعات گفتمانی در روند تدوین و تصویب قانون اساسی بوده است. در این مقاله از روش کتابخانه‌ای برای گردآوری اطلاعات و از روش تحلیلی و توصیفی نیز برای ارزیابی داده‌ها استفاده شده است.

واژگان کلیدی: مبانی فکری، ایدئولوژی، ساختار قدرت، قانون اساسی، نهضت آزادی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ - گروه علوم سیاسی - مسایل ایران، دانشکده علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
Fr.najjari2921@gmail.com

^۲ - گروه علوم سیاسی - اندیشه سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران: نویسنده مسئول
Dr mr.mahmoudi.@gmail.com

^۳ - گروه علوم سیاسی - اندیشه سیاسی و مسایل ایران، دانشکده علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
Ahmadbakhshi0912@gmail.com

^۴ - گروه علوم سیاسی - روابط بین الملل، دانشکده علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
A_zargar2003@yahoo.com

مقدمه

با پیروزی انقلاب اسلامی دوره‌ای نوین از چالش‌گفتمانی در فضای سیاسی جامعه عینیت یافت. احزاب و نیروهای سیاسی در این مرحله اختلافات عقیدتی و ایدئولوژیکی خود را نمودار ساختند و برای تثبیت جایگاه خود در درون حاکمیت دست به تلاش زدند. در این میان قانون اساسی و مباحث پیرامون آن به مهمترین کانون منازعه گفتمان‌های دخیل در انقلاب بدل گردید که هر یک با مرامی خاص، ایده‌ال‌های خود را از قانون اساسی در ذهن می‌پرورانیدند. بسیاری از این چالش‌های فکری ریشه در مبانی اندیشه‌ای آنان در دوران قبل از انقلاب داشت که شرایط دوران مبارزه در زمان پهلوی زمینه را برای طرح عمیق مباحث فکری و اندیشه‌ای فراهم نیاورد. با پیروزی انقلاب اسلامی و مشارکت گروه‌های سیاسی در فرایند ساخت قدرت در سیستم جدید این اختلافات زمینه بروز و ظهور پیدا کرد. نظر به اهمیت قانون اساسی در تبیین ساخت قدرت و ماهیت نظام سیاسی کشور پس از انقلاب برنده منازعه بر سر قانون اساسی تا حد زیادی پیروز منازعه گفتمانی نیروهای حاضر در انقلاب تلقی می‌گردد لذا روند تدوین قانون اساسی میدانی برای منازعه گروه‌هایی شد که با دارا بودن سطوح گوناگونی دیدگاهی، برای سهم‌شدن در پایه‌ای‌ترین و اساسی‌ترین سند مکتوب ایران انقلابی و آینده آن تلاش می‌کردند. در میان گروه‌های سیاسی، نهضت آزادی که در مبارزه پارلمانتاریستی و مسالمت آمیز با رژیم پهلوی موثر بود پس از پیروزی انقلاب اسلامی توانست در جریان مشارکت در سیستم جدید در دولت موقت نقش محوری را ایفا نماید اما در جریان نهادسازی و تثبیت نظام جمهوری اسلامی به طور خاص در روند تدوین و تصویب قانون اساسی با چالش جدی با گفتمان غالب مواجه گردید که این امر موجب انفکاک آنان از جریان اصلی انقلاب اسلامی شد. این نوشتار در پی پاسخ به این سؤال اصلی است که مبانی فکری و ایدئولوژیکی احزاب و گروه‌های سیاسی دخیل در ساختار سیاسی (با تاکید نهضت آزادی) چه تاثیری بر روند تدوین و تصویب قانون اساسی داشته است؟ نتیجه پژوهش نشان می‌دهد تفاوت در مبانی فکری و ایدئولوژی احزاب و گروه‌های سیاسی دخیل در ساختار قدرت (با تاکید نهضت آزادی با گروه‌های اسلام‌گرا) از مهمترین عوامل تاثیرگذار در منازعات گفتمانی در روند تدوین و تصویب قانون اساسی بوده است.

۱- احزاب و گروه‌های سیاسی رقیب و مبانی فکری آن

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ عرصه جدیدی برای حضور نیروهای سیاسی

آزاد شده از فروپاشی رژیم شاه فراهم گردید. عرصه تازه گشوده شده بر روی بازیگران سیاسی نوع جدیدی از مسابقه تصاحب و حفظ قدرت سیاسی را می‌طلبید. روی هم رفته احزاب و نیروهای سیاسی در سال‌های اولیه انقلاب بر حول دو محور ایدئولوژیک شکل گرفت که می‌توان آن را به صورت زیر نمایش داد:

جدول ۱- طیف بندی‌های سیاسی

مذهبی	سکولار
احزاب و گروه‌های بنیادگرا	احزاب لیبرال دموکراسی
احزاب و گروه‌های رادیکال اسلام گرا	احزاب و گروه ای هوادار سوسیالیسم

بر این اساس چهار طیف از نیروها و احزاب سیاسی در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی پدیدار شدند:

۱- احزاب غیرلیبرال و بنیادگرای متعلق به روحانیت سیاسی (حزب جمهوری اسلامی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، جامعه روحانیت مبارزه تهران، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی) خواستار ترکیب قدرت و سیاست و تاسیس حکومت دینی و اجرای احکام اسلام از طریق نظام سیاسی بودند. گروه‌های اسلامی بنیادگرا پایگاه و ارتباط توده‌ای گسترده‌تری نسبت به دیگر گروه‌ها داشتند و از امکانات بیشتری برای بسیج مردمی در مقایسه با احزاب دیگر برخوردار بودند.

۲- احزاب و گروه‌های لیبرال طبقه متوسط (جبهه ملی، نهضت آزادی و حزب جمهوری خواه خلق مسلمان) هسته اصلی این دسته از احزاب را گروه‌های اپوزیسیون قدیم رژیم شاه تشکیل می‌داد. مهمترین خواسته آنها تامین آزادی‌های سیاسی اجتماعی از طریق محدود کردن قدرت سیاسی و ایجاد نوعی مشروطیت یا جمهوری بود نیروی لیبرال بیشتر از جانب برخی نیروهای طبقه متوسط جدید حمایت می‌شد. تشکل‌های این طیف نیز کوچک و فاقد پایگاه و حمایت توده‌ای بودند و شعارهای آنان دایر بر حمایت از دموکراسی و آزادی چندان جاذبه‌ای نداشت.

به همین دلیل آنها در رقابت سیاسی در موضع اقلیت قرار گرفتند اما در عین حال کوشش کردند که بر جریان تحولاتی که منجر به تشکیل نظام سیاسی پس از انقلاب گردید تأثیر گذارند به همین دلیل علاوه بر اصرار بر لزوم روی کار آمدن نظامی سکولار در ایران خواهان اقتصاد آزاد و تقویت سرمایه گذاری خصوصی نیز شدند.

۳- احزاب چپ گرای اسلامی (جنبش مسلمانان مبارزه، سازمان مجاهدین خلق «منافقین»

جنبش انقلابی مردم مسلمان، سازمان اسلامی شورا) که با گسترش ایدئولوژی اسلام سیاسی، در بین روشنفکران و تحصیل کردگان طبقه متوسط جدید قبل از انقلاب تکوین یافته بودند. شعار اصلی این گروه‌ها دموکراسی شورایی یعنی استقرار شوراهای اسلامی در همه موسسات و نهادهای دولتی بود.

۴- احزاب و گروه‌های سوسیالیست و مارکسیست نیروهای چپ (سازمان فدائیان خلق، حزب توده، سازمان پیکار، سازمان طوفان در سال‌های اولیه انقلاب مرکب از گروه‌ها و دسته بندی‌های کوچکی بود که بر پایه جنبش‌های دانشجویی شکل گرفته بودند (سازمان فدائیان خلق، حزب توده، سازمان پیکار، سازمان طوفان، حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران، سازمان جوانان انقلابی) خواسته‌های اصلی آنان ملی کردن صنایع و بانک‌ها، قطع رابطه با امپریالیسم آمریکا، ایجاد ارتش مردمی و اعطای خودمختاری به اقوام و اقلیت‌های قومی بود. (بشیریه، ۱۳۸۷: ۳۲)

این دوره فرصتی بود تا نیروهای سیاسی حاضر و فعال در عرصه سیاست ایران برای به دست گرفتن قدرت سیاسی و استمرار حضور خود در آن تلاش همه جانبه به عمل آورند به همین دلیل نیروهای سیاسی رسمی و حاضر در صحنه ایران پس از انقلاب اسلامی از تمامی امکانات، توانایی‌ها و ابزارهای خود بهره جستند نظر به اینکه توان، امکانات و ابزارهای در دست نیروها، به اتکای تجارب پیشین آنها در دوره رژیم شاه به طور عمده بر اساس سبک مبارزاتی هر یک از آنان شکل گرفته بود. فرآیند تدوین پیش نویس و بررسی نگارش متن قانون اساسی و تصویب ملی آن با عنایت به اهمیتی که در شکل دهی به ساختار نظام سیاسی و تعیین جایگاه قدرتی نیروهای سیاسی داشت موضوع رقابت سیاسی جدی بین نیروهای سیاسی واقع گردید. (خواجه سروی: ۲۴۲) مهمترین عرصه‌های جنجالی میان گروه‌های سیاسی این بود که هر کدام از این گروه‌ها انتظارات خاص خودشان را از قانون اساسی پیش رو داشتند، لذا جمع کردن این تقاضاها و مصالحه بین نیروهای اجتماعی و ملحوظ داشتن تمام این خواسته‌ها در قانون اساسی به نحوی که همه گروه‌های سیاسی را اقناع کند خود مساله‌ای علی حده بود. (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۱۱۹) هر یک از این نیروها معتقدات و اساسنامه خاصی داشتند که پس از انقلاب مجبور شدند بر اساس آن موضع گیری کنند تمرکز این مقاله بر طیف‌های حاکم در قدرت سیاسی در دوران گذار می‌باشد. درک مبانی فکری و ایدئولوژی نهضت آزادی می‌تواند نوع نسبت سنجی این تشکل با دیگر نیروهای سیاسی و اجتماعی، به خصوص در رویارویی گفتمانی با اسلام فقهاتی را در روند تدوین تصویب قانون اساسی را روشن کند.

نهضت آزادی

نهضت آزادی از گروه‌هایی است که در سال ۱۳۴ از درون جبهه ملی زاده شد (نجاتی، ۱۳۷۷: ۱۶۳) در واقع اعضای آن را جناح مذهبی جبهه ملی تشکیل می‌دادند. نهضت آزادی با این هدف که یک گروه سیاسی مذهبی باشد تشکیل شد، اما به طور عمده به فعالیت سیاسی پرداخت، چون فلسفه تاسیس آن نوعی مبارزه سیاسی برای تحقق آزادی، تحقق حقوق بشر بر اساس اعلامیه جهانی حقوق بشر و منشور ملل متحد بود. (جعفریان، ۱۳۸۹: ۴۹۰) ایدئولوژی سیاسی این حزب در واقع تداوم اصول سیاسی حاکم بر جبهه ملی بود منتها با این تفاوت که نیم‌نگاهی نیز به نیروهای مذهبی جامعه داشت. نهضت آزادی در ابتدای تاسیس خودش، حداقلی از اصول را ارائه داد که با بسط آنها می‌توان به اصول تفکر و اندیشه‌های آن پی برد این اصول در مرام نهضت آزادی با عنوان «مسلمان، ایرانی و مصدقی» نهفته است. نهضت آزادی، گرایش مذهبی داشت اما هوادار قانون اساسی سکولار، دموکراسی پارلمانی و مخالف تئوکراسی یا حکومت دینی بود. (بشیریه، ۱۳۸۷: ۳۱) تلاش‌های فکری مهندس بازرگان و همراهان او برای انتقال ایده‌های مدرن، تحقق آزادی، استبداد ستیزی، حکومت قانون و مردم سالاری به جامعه سنتی ایران بود. (فوزی، ۱۳۸۸: ۱۰۸) خواهان اتخاذ مواضع معقولانه تری در مقابل غرب بود به گونه‌ای که نه غرب زدگی و احساس حقارت همراه با تسلیم و تقلید باشند و نه انکار و تحقیر تمدن و علم جدید. (رزاقی سیاه‌رودی، ۱۳۷۳: ۸۴-۷۹) این طیف که در این زمان رسالتی پیش از بازسازی و نوسازی اندیشه‌های رایج دین را داشتند، تقریباً همگی پیوند قابل ملاحظه‌ای با غرب داشتند و به طور عام‌پذیری ارزش‌های تمدن مدرن شدند و با حرکت به سوی انگاره‌های مدرن درصدد برآمدند تا با تلفیق نگرش اسلامی با اندیشه‌های مدرن لیبرالیسم و ناسیونالیسم نظام اندیشه اجتماعی و سیاسی-اندیشه را بازتولید نمایند. (پدرام، ۱۳۸۲: ۱۰۱) و تلاش داشتند تا از این ایدئولوژی اروپایی برای بازسازی و احیاء یک جامعه دموکراتیک در ایران استفاده کنند. جامعه‌ای که در چهارچوب واژه «اسلام لیبرال دموکراتیک می‌توانست بیان‌کننده دغدغه اصلی آنها باشد. (فوزی، ۱۳۸۸: ۱۰۸-۱۰۷) آنان به نقش دین در ایجاد انگیزه و تحرک اجتماعی افراد واقف بودند و با این اعتقاد پا به عرصه گذاشتند که دین سنتی و متولیان آن نمی‌توانند تحرک و پویایی دین و چهره مدرن و هماهنگ آن را با دنیای جدید به مردم معرفی کنند و باید متولیان مدرن دین با کنار زدن سنت‌ها و خرافه‌ها و خارج کردن دین از دست روحانیت سنتی راه خلاقیت و پیشرفت را در جامعه باز کنند. (امیری، ۱۳۸۹: ۸۳)

۲- شکل‌گیری ساختار قدرت و حضور احزاب و گروه‌های سیاسی در آن

با اوج‌گیری انقلاب، امام خمینی و دیگر فعالان نهضت تلاش کردند تا با پایه‌ریزی نهاد-های انقلابی، ضمن ایجاد تشکل و سازماندهی نیروهای انقلابی، به حل مشکلات و مسائل کشور و مردم پرداخته و زمینه را برای تأسیس ساختار سیاسی آتی کشور فراهم آورند. در این راستا می‌توان به تشکیل شورای انقلاب و دولت موقت اشاره کرد. با تشکیل این دو نهاد انقلابی، بلوک قدرت توسط احزاب لیبرال طبقه متوسط جدید و گروه‌های بنیادگرا و روحانیون که بویژه متکی به حمایت توده‌ها و طبقات بازاری بودند، اشغال شد. این دو دسته احزاب دارای پایگاه‌های اجتماعی نسبتاً متفاوت و متمایزی بودند. (بشیریه، ۱۳۸۷: ۳۳) در بین احزاب و گروه‌های لیبرال طبقه متوسط، نهضت آزادی به دلیل گرایش مذهبی و توان شخصی و تشکیلاتی و به واسطه ائتلاف با روحانیون و گروه‌های اسلام‌گرا به عنوان یکی از جریان‌های حاکم در قدرت سیاسی شریک گردید و در نهادها و تشکیلات انقلابی که به فرمان امام تشکیل گردید حضور پیدا نمود.

- شورای انقلاب: شورای انقلاب اولین اقدام عملی در جهت اداره کشور به شمار می‌رود که ضمن حل بسیاری از مشکلات مردم زمینه انتقال حکومت از سلطنت به جمهوری را فراهم نمود. بنیاد این شورا در آذر ماه همان سال در پاریس و بعد از مشورت امام خمینی با برخی عناصر سرشناس نهضت از جمله آیت‌الله مطهری و مهندس بازرگان ریخته شد. (نجاتی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۲۸۹) هدف کلی از تأسیس این شورا پاسداری از ثمرات مبارزات آزادی‌خواهانه و استقلال طلبانه ملت ایران، اجرای اهداف انقلاب و ایجاد حکومت جمهوری دموکراتیک اسلامی در ایران بود. (اساسنامه شورای انقلاب) امام به جهت تعادل در قدرت و اقناع کلیه جریان‌های مفید انقلاب ترجیح می‌دادند که اعضای این شورا تلفیقی از دو گرایش روحانیون مذهبی نزدیک به خویش و ملی-مذهبی‌های میانه رو باشد اما در نهایت به دلیل تسلط کلی بیشتر افراد روحانی بر شورا نتیجه صورت جلسات آن بازتاب نگرش انقلابی و دینی بود. (فوزی، ۱۳۸۴: ۱۶۱)

- دولت موقت: در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی امام خمینی در حکم نخست‌وزیری مهندس بازرگان که توسط هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۱۵ بهمن ۱۳۵۷ در مدرسه علوی در تهران قرائت شد اعلام نمودند که «جناب عالی را بدون در نظر گرفتن روابط حزبی و بستگی به گروه خاص مامور تشکیل دولت موقت می‌نمایم» و مضمون سخن امام آن بود که نخست‌وزیر انقلاب باید راه خود را از بسیاری از چهره‌های لیبرال و عمدتاً غیر دینی جدا کند و کابینه‌ای از نیروهای انقلابی و مردمی تشکیل بدهد اما متأسفانه مهندس بازرگان راه دیگری برگزید و کابینه را در میان نیروهای لیبرال و لیبرال مذهبی تقسیم نمود. ترکیب دولت موقت به شکلی بود که تسلط

نهضت آزادی و لیبرال‌ها بر کسی پوشیده نبود و خود نخست وزیر از یک طرف رهبری اجرایی دولت را در اختیار داشت و از طرف دیگر نهضت آزادی ایران را هدایت می‌کرد و از همان ابتدا مورد مخالفت بسیاری از نیروهای انقلابی قرار گرفت. (اسماعیلی، ۱۳۸۴: ۹۹) مهندس بازرگان کابینه‌ای تشکیل داد که در عین تسلط نهضت آزادی و ملی-مذهبی‌ها بعضی از گروه‌های نزدیک به خود را در قدرت سهیم کرد و بیشتر اعضای دولت موقت را از میان کسانی که چندان پایبند به حکومت دینی نبودند انتخاب نمود و طبیعی است که سرنوشت و عملکرد دولت موقت به شکل مستقیم با سرنوشت نهضت آزادی پیوند داشت. گفتمان سیاسی دولت موقت با تأکید بر تفسیر تجددگرایانه از حکومت اسلامی، حمایت از حضور چهره‌های میانه رو و تحصیل کرده در ارکان دولت، اداره کشور در چارچوب شیوه‌های پارلمانی و تساهل با سایر کشورها به ویژه غرب (تاجیک، ۱۳۸۲: ۱۸۸) با خصلتی سکولار، تفکیک قوا، تمایز بین امر دینی و امر سیاسی، حاکمیت مردم و مشارکت آنان در اداره جامعه شکل گرفت. (بشیری، ۱۳۸۷: ۳۴)

۳- تعارضات فکری گروه‌های سیاسی دخیل در قدرت در روند تدوین و تصویب قانون اساسی

۳-۱- تدوین پیش نویس قانون اساسی

متن مقدماتی قانون اساسی در زمان حکومت بختیار به ابتکار نهضت آزادی بر اساس طرح پیشنهادی اولیه دکتر حبیبی به خدمت امام در پاریس جهت جلوگیری از اتلاف وقت و سرگردانی بعد از پیروزی انقلاب در ظرف مدت یک ماه در ایران تدوین شد. (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۲۱۳ - ۲۱۵) با وقوع انقلاب، متن اخیر توسط مهندس بازرگان رئیس دولت موقت به شورای عالی طرح‌های انقلاب به ریاست یدالله سجایی تحویل گردید و با انجام اصلاحاتی از جانب این شورا، متن اصلاحی به عنوان لایحه دولت موقت به شورای انقلاب ارائه شد. پیش نویس مذکور بسیار ساده، کلی و دارای اصول کوتاه و صریحی بود. محورهای اساسی این پیشنهاد عبارت‌اند از: ۱- محوریت نظام پارلمانی و تفکیک قوا در نظام جدید ۲- مشروعیت بر پایه حاکمیت مردم و عدم مغایرت آن با شرع اسلام ۳- ساختار اجرایی مبتنی بر انتخاب از سوی مردم به عنوان ساختار دموکراتیکی بنیان یافته ۴- تشکیل یک شورای نگهبان مرکب از ۵ نفر از علما و ۷ نفر حقوقدان (میلانی، ۱۳۸۱: ۲۸۱) ۵- اداره توسط رهبران غیر روحانی و فعالیت روحانیت در زمینه اخلاق و نیازهای معنوی جامعه و... (استمیل، ۱۳۷۸: ۲۹۷) پیشنهادی بر اساس دیدگاه نائینی درباره حکومت در عصر غیبت برگرفته شده است و خود اذعان داشتند که «روح حاکم بر پیش-نویس لیبرال دموکراسی بود و به رغم تشابه با قانون اساسی مشروطه در قائل شدن نظارت شورای

روحانیون و مجتهدان بر قوانین در مجموع از قوانین اساسی غرب مقتبس بود و در برخی موارد تعیین کننده با دیدگاه‌های خبرگان تفاوت بنیادین داشت (که مهمترین آن همان اندیشه کلی و جامع ولایت فقیه بر مبنای اسلام فقه‌ای بود که اعضای نهضت آزادی در مجلس خبرگان با این اندیشه مخالفت کردند). پیش نویس مورد اعتراض احزاب و گروه‌های مذهبی و حتی ضد مذهبی نیز قرار گرفت هر چند احزاب و گروه‌های لیبرال و ملی‌گرا از پیش نویس دفاع کردند اما پیش نویس با اصول و مبانی امام خمینی و رهبران مذهبی در زمینه نظام سیاسی اسلام فاصله زیادی داشت و هیچ تناسبی بین پیش نویس و منظوری که ملت از جمهوری اسلامی داشته (یعنی حکومت اسلامی) وجود نداشت سید محمد خاتمی معتقد بود: «متأسفانه در پیش نویس چیزی که نیست اسلام است و بهتر است آن را قانون اساسی «جمهوری» یا «جمهوری دموکراتیک» بنامیم این همان قانون اساسی است که بختیار می‌خواست آن را عملی سازد». (اطلاعات ۵۷/۳/۲۷ به نقل از ورعی) پیش نویس قانون اساسی پس از اصلاحات شورای انقلاب (در زمینه اقتصادی) و امام در ۲۶ خرداد ۱۳۵۸ در ۱۲ فصل و ۱۵۱ اصل منتشر شد. پس از انتشار پیش نویس قانون اساسی شورای انقلاب و حزب جمهوری اسلامی کنگره‌ای برای نقد آن در دانشگاه تهران تشکیل دادند. در همان کنگره بود که از اصل ولایت فقیه سخن به میان آمد و تأکید شد که در قانون اساسی جدید باید تصریح گردد که حاکمیت ناشی از خداوند است و همه قوانین مبتنی بر احکام اسلام‌اند و قدرت اجرایی در حکومت اسلامی می‌باید از جانب ولایت فقیه اعمال گردد. (جمهوری اسلامی ۵۸/۴/۲۵ به نقل از بشیریه، ۱۳۸۷: ۳۸)

۳-۲- تشکیل مجلس منتخب

موضوع برگزاری مجلس موسسان برای تدوین و تصویب قانون اساسی جدید ایران در آستانه پیروزی انقلاب و به ویژه بعد از برگزاری referendum تعیین نوع نظام سیاسی به مطالبه عمومی در میان تشکلهای و جریان‌های سیاسی تبدیل شده بود. امام خمینی^(۵) نیز در ابتدا تدوین قانون اساسی را وظیفه مجلس موسسان می‌دانست وی در سخنرانی مشهور خود در روز ورودش به ایران در تاریخ ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ به تشکیل مجلس موسسان اشاره نمود و در حکم نخست وزیری مهندس بازرگان یکی از ماموریت‌های دولت موقت را تشکیل مجلس موسسان برای تصویب قانون اساسی برای نظام جدید تعیین نمود (نجاتی، ۱۳۷۷، ج ۲، ۲۸۹) لذا پیش از اظهارنظر راجع به خود قانون اساسی، بحث بر لزوم یا عدم لزوم مجلس تدوین کننده قانون اساسی در گرفت به گفته یزدی اینکه متن اولیه قانون اساسی با تصویب خبرگان یا مستقیم به رای ملت گذاشته شود محل اختلاف بود (یزدی، ۱۳۷۷: ۱۴) جریان اسلامی خواهان تصویب سریع

قانون اساسی بود با این استدلال که تشکیل مجلس موسسان، زمان زیادی را می‌برد خطرات تهدید کننده انقلاب در صورت نبود قانون اساسی و وجود هرج و مرج، امکان بیشتری برای بروز می‌یابند، لذا نیازی به تشکیل مجلس موسسان نیست و پیش نویس قانون اساسی قابلیت به همه پرسی گذاشتن مستقیم را دارد و از نظر برخی، جریان چپ و لیبرال که در مرحله تعیین نوع نظام، سهم زیادی نگرفته بودند خواهان تشکیل مجلس بودند. (خواجه سروی ۱۳۸۲: ۲۴۷) جریان لیبرال و رهبر نهضت آزادی با اتکا به شأنیت حقوقی و بین‌المللی مجلس موسسان، بر یکی بودن قول و فعل امام خمینی تأکید داشت؛ در اصرار آنان بر تشکیل مجلس موسسان باید به اصول فکری و نظری و نحوه کنش آنها نیز نظر داشت، انتخابات آزاد همواره یکی از خواسته‌های اصلی گفتمان ناسیونالیستی در ایران معاصر بود و اردوگاه لیبرال‌ها با این گفتمان قرابت داشت، انتخابات مجلس موسسان به نوعی اولین فرصت برگزاری انتخاباتی بزرگ و در عین حال آزاد بود که به خودی خود از موضوعیت مهمی می‌توانست برخوردار باشد به علاوه کثرت شمار نمایندگان مجلس موسسان اجازه ورود بسیاری از اندیشه‌ها را برای تصویب قانون اساسی می‌داد و سایر گفتمان‌ها نیز مجال ظهور و بروز می‌یافتند. بالاخره نظر واسطی به طور موقت به جدال دو گروه خاتمه داد؛ بر طبق این پیشنهاد مجلسی برای بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی معروف به خبرگان از تعداد کمتری نمایندگان ملت تشکیل می‌شد و در کوتاه ترین زمان ممکن (که در قانون مربوطه ۳۰ روز برآورد شده بود) قانون اساسی را بررسی و متن را برای همه پرسی آماده می‌کرد این نظر حاصل جلسه مشترک شورای انقلاب و دولت موقت در حضور امام بود. توسط امام به دولت موقت فرمان داده شد «... مجلسی متشکل از نمایندگان مردم با توجه به همه پیشنهادهای مفیدی که رسیده است مواد قانون اساسی را به صورت نهایی بررسی و تنظیم نماید ...» (اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۵، ش ۱۵۸۶۳) در اجرای فرمان رهبر انقلاب و به منظور تشکیل مجلس خبرگان و تعیین اعضای آن از راه انتخابات در ۱۴ تیر ۱۳۵۸ «لایحه قانونی انتخابات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی» از تصویب شورای انقلاب گذشت به این ترتیب نیروی مذهبی یک قدم از رفراندوم بدون مجلس عقب نشینی کرد و سایر نیروها نیز به طور موقت به مجلس خبرگان رضایت دادند بازرگان رهبر نهضت آزادی و اعضای وی از مجلس خبرگان به عنوان مجلس موسسان یاد کردند. با عدول نظام انقلابی از تشکیل مجلس موسسان و جایگزین کردن آن با مجلس محدودتر گستره حضور رقابت آمیز جریان‌های سیاسی را در عرصه انتخابات و مبارزه برای ورود به مجلس خبرگان قانون اساسی کاهش یافت.

۳-۳- تشکیل مجلس، بررسی نهایی قانون اساسی (مجلس خبرگان)

انتخابات مجلس خبرگان در ۱۲ مرداد ۱۳۵۸ برگزار گردید و کاندیداهای جریان‌های مختلف برای تصاحب ۷۳ کرسی این مجلس به رقابت پرداختند. (فوزی، ۱۳۸۴: ۲۴۹) تشکل‌های جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، جامعه روحانیت مبارز تهران، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و حزب موتلفه اسلامی، در کنار حزب جمهوری اسلامی قرار گرفته بودند و ائتلاف بزرگ مکتبی‌ها شکل گرفته بود. (حسینی زاده، ۱۳۸۹: ۳۶) طیف دیگر انتخابات کاندیداهای مورد حمایت نهضت آزادی بودند، طیف آخر شامل ائتلاف ۵ گروه سیاسی سازمان مجاهدین خلق، جنبش مسلمانان مبارز، جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران، جنبش برای آزادی، و سازمان اسلامی شورا می‌شد (رضوی، ۱۳۷۶: ۲۵۵-۲۵۴) کاندیداهای مستقل نیز در شهرستان‌ها و یا به نمایندگی از اقلیت‌های مذهبی به چشم می‌خوردند. (اسماعیلی، ۱۳۸۴: ۱۲۴-۱۲۰) این انتخابات مرزبندی سیاسی را روشن کرد و هم وزن گفتمان‌های مختلف را نشان داد (حسینی زاده، ۱۳۸۹: ۲۹۲) مجلسی که رنگ مکتبی آن، حتی در تحصیلات و تعلقات نمایندگان منتخب نیز بروز داشت آنچنان که ۶۰ درصد نمایندگان از روحانیان و فقهایی بودند که از سویی ائتلاف حزب جمهوری اسلامی کاندیدا شده بودند. (اسماعیلی، ۱۳۸۴: ۱۱۹) ترکیب مجلس خبرگان با اکثریتی از علما و روحانیان و شخصیت‌های مذهبی غیر روحانی حکایت از این داشت که تصمیم‌گیری در خصوص قانون اساسی به عنوان مهمترین سند ملی کشور و در پی آن پی‌ریزی ساختار نظام جدید به نمایندگان اسلام سیاسی فقهاتی واگذار شده بود. (حسینی زاده، ۱۳۸۹: ۲۹۲) دولت موقت و بازرگان بعد از مشاهده نتایج انتخابات به اشتباه خود پی بردند. چنانکه دکتر کریم سنجابی در کتاب *امیدها و ناامیدی‌ها* از بازرگان نقل قول کرده که بزرگترین اشتباهش اصرار بر مجلس موسسان بوده است زیرا این مجلس نفوذ و اقتدار روحانیون را تحکیم نمود (برزین، ۱۳۷۴: ۲۹۵) پس از برگزاری انتخابات و پیروزی چشمگیر حزب جمهوری اسلامی و مکتبی‌ها، مجلس خبرگان در ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ آغاز به کار کرد.

۳-۴- در بررسی و تصویب قانون اساسی

با هژمونیک شدن اسلام شیعی در فرآیند انقلاب اسلامی و پس از آن مجلس خبرگان در فضایی آکنده از اسلامگرایی آرمان‌گرایی تشکیل شد. نظام سیاسی و حقوقی که دستاورد مجلس خبرگان؛ متشکل از اکثریت فقها و علما بود نمی‌توانست چیزی جز یک نظام اسلامی با تمام ویژگی‌های آن باشد. این نظام مبتنی بر تشیع راستین، در واقع تبلور، تمام عیار امت و امامت است (حسینی بهشتی، ۱۳۷۷: ۱۵) همانطور که امام خمینی^(ع) نیز تاکید داشتند که وقتی

اکثریت قاطع مردم نظر خود را به نظام اعلام کرده‌اند، بایستی قانون اساسی آن نیز در چهارچوب اسلام و نه یک قانون اساسی تقلیدی باشد. (موسوی خمینی، ۱۳۸۵: ۲۱۹) امام خمینی نیز در پیامی به مجلس خبرگان «تشخیص مخالفت و موافقت با احکام اسلام را منحصر در صلاحیت، فقه‌های عظام دانست و از سایر نمایندگان خواست تا در رشته‌های حقوقی و اداری و سیاسی که در آن تخصص دارند ورود پیدا کنند و در صورت اختلاف متخصصان نظر اکثریت متخصصان را معتبر بدانند». (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۹: ۳۰۹) در مجلس خبرگان با توجه به اکثریتی که گروه‌های اسلامی داشت به طور طبیعی هیئت رئیسه مجلس را از آن خود کرد ریاست دائمی مجلس خبرگان را آیت الله منتظری و نیابت آن را آیت الله دکتر بهشتی به عهده گرفت. نظر به توانایی‌های بارز مدیریتی و اداری شهید بهشتی جلسات خبرگان را نه رئیس، بلکه نائب رئیس اداره می‌کرد. (خواجeh سروی، ۱۳۸۲: ۲۵۶) اعضای مجلس خبرگان در نخستین جلسه خود، در اقدامی توجه برانگیز آئین نامه تنظیمی دولت را مناسب ندیدند و برای حصول آئین نامه‌ای که مورد قبول قاطعشان باشد، تصمیم به تنظیم آئین نامه جدید گرفتند. (بابایی، ۱۳۸۴، ج ۱: ۲۳۳) با آغاز به کار مجلس خبرگان، متن پیش نویس قانون اساسی تقدیم مجلس خبرگان شد مهندس بازرگان در نطقی خطاب به نمایندگان اظهار داشت: «اینک طرح قانون اساسی را که در شورای طرح‌های انقلاب تدوین گردیده، به تصویب هیئت وزیران و تصحیح و تایید شورای انقلاب رسیده است، حضورتان تقدیم نموده تا مورد بررسی و تصویب نهایی برای ارائه به آرای عمومی قرار دهید در طرح تقدیمی، آنچه از اصول، آزادی، حق انتقاد، حاکمیت ملی آمده است، نه ارمغان مغرب زمین و تقلید و تحمیل بیگانگان است و نه میراث نظام شاهنشاهی مخلوغ بلکه در تعبیر اختیار، امر به معروف و نهی از منکر و دستور مشورت محتوای اصولی است منطبق با قرآن و منبعث از مشیت الهی ازلی و رحمان». (صورت مشروح مذاکرات خبرگان، ۱۳۶۴، ج ۱: ۷) آیت الله منتظری بعدها در این باره گفت: «متن پیش نویس را دولت موقت چاپ کرد و به ما داد و اصرار هم داشت که همان متن را در مدت یک ماه بنشینیم تصویب کنیم و حتی ما می‌گفتیم کلماتی از آن را عوض کنیم، می‌گفتند، عینا همین متن را تصویب کنیم. ما گفتیم اینکه نمی‌شود ما باید نظر خودمان را مطرح کنیم». (منتظری، ۱۳۷۱، ج ۱: ۴۳۸) با برپایی مجلس بررسی نهایی قانون اساسی نظرات نمایندگان بر شالوده پیش نویس سوار و در جلسات آن طرح گردید و بعضا تغییراتی در آن ایجاد کرد عناصری وارد قانون اساسی شد که پیش نویس را دچار تحول اساسی کرد به نحوی که دیگر اطلاق پیش نویس به آن چندان دقیق نبود.

رویارویی جدیدی در این مجلس بر سر کیفیت قانون اساسی رخ داد در مسیر تدوین قانون اساسی جدید موضوعات مختلفی سر فصل مناقشات تازه میان هواخواهان گفتمان‌های اسلام فقهاتی و اسلام لیبرال در مجلس خبرگان گردید. نحوه تلفیق اسلام و جمهوریت، بحث منشاء حاکمیت، آزادی‌های فردی و اجتماعی و حدود آن، آزادی‌های احزاب و گروه‌های سیاسی و جهت‌گیری‌های اقتصادی و فرهنگی کشور از جمله این موارد مورد مناقشه بود. (فوزی، ۱۳۸۴: ۲۶۳) به طور کلی اصول مهم در مذاکرات قانون اساسی عبارت بودند از: اصل ۴ (حاکمیت احکام اسلام بر کلیه قوانین و مقررات) اصل ۵ (ولایت فقیه، اصل ۱۲ (دین و مذهب رسمی) و اصل ۹۱ (شورای نگهبان) همانطور که یکی از نمایندگان خبرگان درباره اصل چهار اظهار داشت که: «این مهمترین اصلی است که نوشته و تصویب می‌شود و هدف آقایان و مجتهدین و علما که اینجا جمع شده‌اند بیشتر همین اصل است که بر تمام اصول حکومت دارد». آنچه انتقادات را کاملاً علنی و تبدیل به مخالفت کرد اصل پنجم به عنوان هسته اصلی قانون اساسی جدید بود این اصل، که مهمترین اصل عملیاتی‌کننده اصل ۴ است بدون اینکه در پیش نویس ذکری از آن به میان آمده باشد به مجلس پیشنهاد شده، با توجه به جمله نایب رئیس خبرگان دایر بر اینکه «با توجه به بحث‌های گسترده‌ای که در گروه‌ها و در جلسه مشترک گروه‌ها در باره اصل ۵ شد، نظر بر این است که بتوانیم این اصل را با اظهار نظر یک موافق و یک مخالف به رای بگذاریم». (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ۱۳۶۴: ۳۷۳) نهضت آزادی از همان ابتدا با گنجاندن اصل ولایت فقیه در قانون اساسی مخالف بود و گنجاندن آن در قانون اساسی را از انحرافات پس از انقلاب می‌داند. در این زمینه عزت الله سبحانی اظهار داشت: «اصل ولایت فقیه یک اصل غیرقابل انکار مکتبی است در حد نظارت مکتبی توسط اسلام شناسان واقعی بر قوانین و مقررات قابل قبول است....». (اطلاعات، ۱۳۵۸/۶/۲۸، ش ۱۵۹۵۶: ۲) حسن حبیبی از جمله افرادی بود که در تدوین قانون اساسی نقش پر رنگی داشت و به گفته خودش از سوی نهضت آزادی کاندیدا بود. (مظفر، ۱۳۷۸: ۲۰۱) در این ارتباط در مصاحبه‌ای می‌گوید: «واقعیت این است که هنوز جامعه ما برای درک مفهوم ولایت فقیه آمادگی ندارد و نسبت به این مساله جریان‌های متضادی وجود دارد و ما سعی کردیم ولایت فقیه را در شورای نگهبان حل کنیم. (میلانی، ۱۳۸۱: ۱۸۲) برخی از نویسندگان پیش نویس معتقد بودند که وجود پنج فقیه در شورای نگهبان که در پیش نویس پیش بینی شده بود، ولایت فقیه تامین خواهد شد (قفلی، ۱۳۸۴: ۳۸) البته به دلیل نقش ضعیفی که پیش نویس برای شورای نگهبان قائل شده بود با اعتراض جمعی از شخصیت‌های نیروی مذهبی مواجه شد. در اصل ۱۴۲ پیش-

نویس درباره ترکیب شورای نگهبان آمده بود: «پنج نفر از مجتهدان پیشنهادی مراجع معروف تقلید به انتخاب مجلس شورای ملی به اضافه شش نفر از صاحب نظران حقوقی به اضافه سه نفر از اساتید دانشکده های حقوق به اضافه سه نفر از قضات دیوانعالی کشور» در این ترکیب پنج فقیه منتخب مجلس در مقابل دوازده نفر غیر فقیه قرار می‌گرفت و در اصل ۱۴۴ کار ویژه شورای نگهبان تاحد ناظری اطلاعی (نه حتی استطلاعی) و وابسته تقلیل داده شده بود: «شورای نگهبان به در خواست یکی از مراجع معروف تقلید یا رئیس جمهور یا رئیس دیوانعالی کشور یا دادستان کل کشور صلاحیت رسیدگی به قوانین را پیدا می‌کند، مشروط بر اینکه از تاریخ توشیح قانون پیش از یک ماه گذشته باشد».. (اطلاعات ، ۱۳۵۸/۴/۲ ، ش ۱۵۸۸۶ به نقل از خواجه سروی) طبعاً اینگونه مواجهه با حکومت دینی و نپذیرفتن پایه‌های نظام اسلامی و از جمله مبنایی ترین اصل آن یعنی حاکمیت فقه‌های صالح واجد شرایط سبب شد اصل ولایت فقیه به عناوین مختلف از سوی آنان مورد نقد قرار گیرد با توجه به اکثریت نمایندگان مکتبی و هواخواهان فقه‌ای و با تصمیم اکثریت خبرگان ولایت فقیه در قانون اساسی گنجانده شد، قانونی که بنابر آن، ولایت فقیه در مرکز ثقل قدرت نظام جمهوری اسلامی قرار می‌گرفت و قانون مشروعیت بخش نظام و هدایت گر اصلی آن تلقی می‌شد. (حسینی زاده، ۱۳۸۹: ۲۹۸)

طرح انحلال مجلس خبرگان از سوی گفتمان رقیب

گروه‌های اسلام گرا با اتکا به اکثریت خود درون مجلس و وجود حامی بزرگ بی بدیل به نام امام خمینی در بیرون مجلس و در قامت رهبر انقلاب قادر به تثبیت خواسته‌های گفتمانی در تدوین قانون اساسی بودند عمده ترین تلاشی که رقبای نیروی مذهبی جمع شده در دولت موقت انجام دادند تدوین طرح انحلال مجلس خبرگان در ۱۳۵۸/۷/۱۸ بود دلیل ظاهری تهیه کنندگان طرح، طولانی شدن زمان بررسی پیش نویس و تجاوز نمایندگان از حدود وکالت مردم در بعضی از موارد بود (جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۴/۲۹، ش ۳۱۱) و برای اینکه دفع اتهام مقدور بشود، در طرح انحلال خبرگان مستند کرده بودند به اینکه: «... چون وکیل حق ندارد مدت وکالت خود را یک طرف تجدید نماید، تمديد مهلت قانونی از طرف آن مجلس وجهه شرعی و قانونی نداشته است» پس از انحلال مجلس پیشنهاد کرده بودند: « دولت ظرف یک ماه از این تاریخ برای تصویب پیش نویس قانون اساسی که از طرف دولت، تنظیم و تایید مقام رهبری انقلاب و به تصویب شورای انقلاب رسیده بود (با انجام اصلاحاتی که مورد تصویب شورای انقلاب و تایید مقام رهبری می‌باشد) به آرای عمومی مراجعه خواهد کرد». (آیت،

۱۳۶۰: ۱۹۴) همین تهیه کنندگان طرح انحلال که خواهان مراجعه مستقیم به آرای عمومی بودند به شدت بر مخالفت با مراجعه مستقیم به آرای عمومی و لزوم تشکیل مجلس موسسان و نه حتی خبرگان اصرار می‌کردند اما تقریباً بعد از گذشت بیش از یک ماه از فعالیت خبرگان طرفدار فراندوم مستقیم شدند. نظر به هزینه‌های معنوی و مادی‌ای که چنین اقدامی می‌توانست بر کشور تحمیل نماید و به لحاظ وظیفه‌ای که حضرت امام در امانت داری حقوق ملت و پاسداری از اسلام احساس می‌کردند با این طرح مخالفت و مقابله جدی کردند: «... آمدند آقایان پیش ما، همین آقایان، آقایان بازرگان و رفقاییش و گفتند که ما خیال داریم مجلس را منحلش کنیم، من گفتم شما چه کاره هستید که می‌خواهید این کار را بکنید؟ وقتی دیدند محکم است مسئله؛ کنار رفتند». (امام خمینی، ۱۳۸۶: ۴۳۸) دولت موقت که برای اولین بار (با اینکه در قدرت سیاسی بود) از موضع اپوزیسیون ظاهر شده بود، با شکست در این مرحله به فکر استعفا افتاد. استعفای دولت موقت یک روز پس از تصرف سفارت آمریکا توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام مورد قبول مقام رهبری قرار گرفت البته کناره‌گیری دولت موقت دلایل دیگری هم از قبیل ناکارآمدی عدم تناسب با وضعیت به شدت در حال تحول و انقلابی کشور و نیز مهم‌تر شدن به طرفداری از آمریکا داشت که ظاهراً نکته‌ی اخیر از همه مهم‌تر بود. بدین ترتیب نبود تناسب میان افکار و اقدامات محافظه‌کار در دولت موقت با مردم انقلابی و جریان اسلامی، آنان را خود به خود به عقب راند و زمینه شکست آنها را فراهم کرد.

نتیجه‌گیری

پس از پیروزی انقلاب اسلامی جریان‌ها و احزاب به انحاء مختلف کوشیدند در روند تدوین و تصویب قانون اساسی نقش ایفا کنند و خواست‌ها و انتظارات سیاسی-فکری خود را در متن و محتوای قانون اساسی بگنجانند که این موضوع مولد رویارویی مختلفی پس از انقلاب در میان گروه‌های سیاسی موثر گردید مهمترین اختلاف نظر میان گروه‌های سیاسی دخیل در ساختار قدرت بر سر قانون اساسی پیدا شد که ریشه در مبانی فکری و ایدئولوژی متفاوت آن داشت. در شکل‌گیری قانون اساسی به شکلی که به وهله تصویب رسید مبانی فکری گروه-های لیبرالیستی چون نهضت آزادی که اکثریت را در دولت موقت داشتند پررنگ‌تر است در چهارچوب فکری نهضت آزادی نوعی تقابل با مبانی فکری غالب در انقلاب اسلامی وجود داشت. این اندیشه گرچه در قبل از انقلاب و کتب ایدئولوژیک نهضت آزادی وجود داشت، اما بعد از پیروزی انقلاب و روی کار آمدن دولت موقت اندیشه نهضت آزادی را از حالت تئوری به صورت

عملی نمودار ساخت. با توجه به حاکمیت نسبی گفتمان نهضت آزادی در دوران گذار، تضاد فکری و ایدئولوژیکی احزاب و گروه‌های دخیل در ساخت قدرت در صحنه سیاسی ایران در روند تدوین و تصویب قانون اساسی خود را نشان داد. اما گروه‌های اسلامی نظیر حزب جمهوری اسلامی قطعاً بیشترین تأثیر را در تصویب داشته‌اند. آنان با اتکا به اکثریت خود در درون مجلس خبرگان قادر به تثبیت خواسته‌های خود در تدوین قانون اساسی بودند. مجلس خبرگان با پذیرش اصل ولایت فقیه که نشانه اصلی گفتمان اسلام فقهاتی بود و دادن اختیارات گسترده به آن، اساسی‌ترین قدم را جهت تثبیت اسلامیت نظام برداشت اما این امر شکافی غیر قابل ترسیم را در درون ائتلاف گروه‌های سیاسی در ساختار قدرت ایجاد کرد و یک نوع گسست اجتناب ناپذیر را میان آنها رسمیت بخشید و نخستین انشقاق درون حکومتی را در نظام جمهوری اسلامی رگم زد. سقوط دولت موقت زمینه اصلی جدایی نهضت آزادی ایران را از جریان اصلی انقلاب فراهم آورد و آنان را به حاشیه و انزوا کشاند.



منابع فارسی

کتاب

- اسماعیلی، خیرالله (۱۳۸۴)، دولت موقت، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم
- استمپل، جان.دی (۱۳۷۸)، درون انقلاب ایران، ترجمه منوچهر شجاعی، موسسه خدوات فرهنگی رسا چاپ دوم
- امام خمینی، سیدروح الله (۱۳۸۶)، صحیفه امام، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام، چاپ چهارم
- امیری، جهاندار (۱۳۸۶)، اصلاح طلبان تجدید نظرطلب و پدرخوانده‌ها، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- (۱۳۸۹)، روشنفکری دینی لبیرال یا دین مدار، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- بازرگان، عبدلعلی (۱۳۶۲)، مسائل و مشکلات اولین سال انقلاب، تهران، نهضت آزادی
- برزین، سعید (۱۳۷۴)، زندگینامه سیاسی بازرگان، تهران، نشر مرکز
- بروجردی، مهرزاد (۱۳۷۸)، روشنفکران ایرانی و غرب، ترجمه جمشید شیرازی، تهران، نشر و پژوهش فروزان
- بشیریه، حسین (۱۳۸۷)، دیباج‌های بر جامعه شناسی سیاسی ایران، تهران، نشر نگاه معاصر
- پدرام، مسعود (۱۳۸۲)، روشنفکری دینی و مدرنیته در ایران پس از انقلاب، تهران، گام نو
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۲)، تجربه بازی سیاسی در میان ایرانیان، تهران، نشر نی
- جعفریان، رسول (۱۳۹۱)، جریان‌ها و جنبش‌های مذهبی سیاسی ایران، تهران، علم
- حسینی بهشتی، سیدمحمد (۱۳۷۷)، مبانی نظری قانون اساسی، تهران، بقیه، چاپ اول
- حسینی زاده، محمد علی (۱۳۸۶)، اسلام سیاسی در ایران، قم، دانشگاه مفید، چاپ اول
- خواجه سروی، غلامرضا (۱۳۸۲)، رقابت سیاسی و ثبات سیاسی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- سحابی، عزت الله (۱۳۸۸)، نیم قرن خاطره و تجربه، تهران، فرهنگ صهبا، جلد ۱
- فوزی، یحیی (۱۳۸۴)، تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران، تهران، موسسه تنظیم و نشر
- (۱۳۸۸)، اندیشه سیاسی در ایران بعد از اسلام، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی
- کاظمی، عباس (۱۳۸۳)، جامعه شناسی روشنفکری دینی در ایران، تهران: طرح نو

- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۰)، گامی بسوی عدالت، تهران، دانشگاه تهران، جلد ۲
- مظفر، محمد جواد (۱۳۷۸)، اولین رئیس جمهور، تهران، انتشارات کویر
- میلانی، محسن (۱۳۸۱)، شکل‌گیری انقلاب اسلامی از سلطنت پهلوی تا جمهوری اسلامی، ترجمه مجتبی عطارزاده، تهران، گام نو
- نجاتی، غلامرضا (۱۳۷۷)، تاریخ سیاسی بیست و پنج یا تله ایران، تهران، رسا
- نهضت آزادی ایران (۱۳۶۱)، یادنامه بیستمین سالگرد نهضت آزادی، بی جا
- ورعی، سیدجواد (۱۳۸۵)، مبانی و مستندات قانون اساسی جمهوری اسلامی به روایت قانونگذار، قم، دبیرخانه مجلس خبرگان

مقالات

- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۷۸)، امام خمینی و دموکراسی، نشریه دانشگاه آزاد اسلامی، شماره ۹ و ۱۰، تابستان و پاییز
- حجاریان، سعید (۱۳۷۶)، گونه‌شناسی جریان‌های روشنفکری معاصر، فصلنامه پژوهش، سال دوم، شماره ۷، زمستان
- فوزی، یحیی (۱۳۸۸)، بررسی تطبیقی خرده‌گفتمان‌های سیاسی اسلامگرا در ایران قبل از انقلاب اسلامی و تأثیر آنها بر شکل‌گیری انقلاب اسلامی، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۴۲، ۴۳

سند

- صورت مشروح مذاکرات مجلس؛ بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی، (۱۳۶۴) تهران، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی

پایان نامه

- شهیدی، محمد (۱۳۷۲) بررسی رفتارسیاسی ملیون دردولت موقت، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق
- رزاقی سیاهرودی، سهراب (۱۳۷۳)، ایدئولوژی و رادیکالیسم شیعه در اندیشه سیاسی شیعه، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی